

یادداشت

اینک جای خوشحالی است که توانسته‌ایم مجموعه مقاله‌های ارائه شده در "سمپوزیوم نوروپسیکولوژی ایران" را در دسترس خوانندگان و علاقه‌مندان قرار دهیم. قصد ما آن بود که این کار، هرچه سریع‌تر، صورت پذیرد. اما گرفتاری‌هایی، مانع این هدف اصلی ما شد. اصولاً کار گردآوری، تنظیم، حروف‌چینی، چاپ و نشر، کار آسانی نیست و البته، مسافرت‌هایی که برای دبیر علمی سمپوزیوم پیش آمد، در این تأخیر بی‌تأثیر نبود.

در این مجموعه، ۳۳ مقاله، گردآوری شده که همه مقاله‌های ارائه شده در سمپوزیوم را جز سه مقاله، دربر می‌گیرد. این سه مقاله را نویسندگان محترم در نشریات دیگری چاپ کرده بودند، و خود، انتشار مجدد آنها را جایز ندانستند. ترتیب قرار گرفتن مقاله‌ها، به همان ترتیب ارائه مقاله در سمپوزیوم می‌باشد.

در این جا بر خود وظیفه می‌دانم از آقای حسن حمیدپور، دانشجوی دوره دکتری روان‌شناسی بالینی، خانم دکتر اکرم خمسه، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، پژوهشکده زنان، آقای دکتر محمدرضا جلالی و آقای دکتر علی محمد موسوی، اساتید دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین که در گردآوری، تنظیم، و غلط‌گیری مقاله‌ها کمک مؤثری کردند، تشکر کنم. شیوه کلی کار، بر این اصل استوار بود که محتوای مقاله‌ها، شیوه نگارش و سازمان‌بندی، بدون دخالت، منعکس شود. فقط در مواردی سعی شد که احیاناً برخی ناهماهنگی‌ها از بین برود. البته با وجود دقتی که به عمل آمده، ممکن است هنوز اشتباهاتی در متن راه یافته باشد. از این جهت، از خوانندگان پوزش می‌طلبیم.

حبیب‌الله قاسم‌زاده

بهار سال ۱۳۸۵

فهرست مطالب

ضرورت و اهمیت تشکیل سمپوزیوم

- گزارشی درباره ضرورت و اهمیت تشکیل سمپوزیوم نوروپسیکولوژی ۱۳
شناختی ایران (دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده)

مبانی و مفاهیم

- کنترل اجتماعی مغزها (از ژن تا رفتار) (دکتر خسرو پارسا) ۱۹
ساختن واقعیت در مغز (دکتر تورج پیرنوری) ۲۴
نورون‌های به ظاهر همانند چگونه کیفیت‌های متفاوت تجربه را پدید می‌آورند؟ ۲۹
معرفی کروماتین به عنوان جایگاه تجربه سلولی (دکتر حمیدرضا نقوی)

خلاقیت، یادگیری، و نیمکره‌ها

- نوروپسیکولوژی زیبایی‌شناسی (دکتر حسن عشایری) ۴۵
مطالعه برتری فعالیت نیمکره‌های مغزی در هیجان‌های تحریک شده توسط ۵۲
حس‌های بویایی، شنیداری و بینایی (حسین حداد باخدایی، نیما فداکار،
دکتر حسن حق‌شناس، علیرضا نیک‌سروش)
بررسی چگونگی پردازش اطلاعات به طریق چندوجهی در دو گروه از دانش‌آموزان ۵۹
تیزهوش و عادی: رویکرد نوروپسیکولوژیک (دکتر اکرم خسته)
چگونه از توانایی‌های هر دو نیمکره در آموزش استفاده کنیم؟ (دکتر ایرج صالحی) ۷۱

زبان

- مغز مدولار، زبان مدولار: فرضیه دوره بحرانی در یادگیری زبان اول و دوم (دکتر حسین ایروانی) ۷۹
بررسی مقایسه‌ای اختلال‌های زبان در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیای مزمن پارانویید ۸۴
و غیر پارانویید (دکتر فرزاد پروا، دکتر حسن عشایری دکتر ربابه مزینانی، پاشا جوادی خمایی)
بررسی مقایسه‌ای مهارت‌های حرکتی ظریف در کودکان طبیعی و کودکان مبتلا به اختلال ۹۲
تولید (تلفظی) ۱۰-۷ ساله مراجعه‌کننده به کلینیک‌های گفتار درمانی دانشگاه علوم
پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران (محمد صادق جنابی)

حافظه

- نوروترانسمیترها و حافظه (دکتر محمد رضا زرین دست) ۱۰۱
- دوزبانی و تأثیر آن بر حافظه کودکان (دکتر رضا کرمی نوری) ۱۰۴
- بررسی کمبودهای «حافظه سرگذشتی» و «مسأله گشایی» در پیوستار ۱۲۳
- زندگی - مرگ (دکتر حسین کاویانی)
- بررسی عملکرد حافظه در بیماران با ضایعات یک طرفه فوق چادرینه ای مغز (دکتر هوشنگ ۱۳۱
- صابوی، دکتر حسن عشاوی، زهرا عالم، دکتر نوشین هاشمی صدرایی، دکتر امین صدرپور)
- بررسی سوگیری حافظه آشکار در خصیصه اضطراب اختلال وسواسی - اجباری ۱۴۲
- (زهرا ایزدی خواه، دکتر حبیب الله قاسم زاده، دکتر محمدنقی براهنی، دکتر فرید فدایی)

آسیب شناسی (۱)

- مجموعه آزمون های نوروسایکولوژیک کامپیوتری با نام پی - روان سنجی ۱۵۳
- کامپیوتری (پرک) (دکتر حسن حق شناس)
- توانایی مهار پاسخ در کودکان مبتلا به اختلال بیش فعالی و ۱۶۰
- کمبود توجه (دکتر مهدی تهرانی دوست)
- مدل عصب شناختی همزلی برای اسکیزوفرنیا (دکتر محمد علی گودرزی) ۱۶۵
- بیماری های اعصاب و روان: عوامل نوروتروفیک (دکتر محمدجعفر مدبوتیا) ۱۷۲

آسیب شناسی (۲)

- نقش پردازش اطلاعات هیجانی در روان درمانی EMDR (دکتر شیوا دولت آبادی) ۱۸۳
- نوروسایکولوژی اختلال های یادگیری (دکتر سید موسی کافی) ۱۹۰
- بررسی مقایسه ای فرآیندهای عالی شناختی در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیای ۱۹۷
- حاد و مزمن با افراد بهنجار: رویکرد نوروسایکولوژیک (نوگس کرم قدیری،
- دکتر حبیب الله قاسم زاده، دکتر محمدنقی براهنی)
- بررسی مقایسه ای توانایی نظریه ذهن در آزمودنی های اسکیزوفرنیک، مانیک ۲۰۷
- (پسیکوتیک) و بهنجار (دکتر ونداد شریفی، دکتر علی اکبر نجاتی صفا)
- توان تشخیصی آزمون بندر - گشتالت بین کودکان بهنجار و نابهنجار عصب شناختی ۲۱۵
- و هیجانی (خیر الله صادقی، دکتر محمدنقی براهنی، دکتر بهروز جلیلی)

لوریا (۱)

- مغز در حال عمل (دکتر محمود بهزاد) ۲۲۹
- تکوین تفکر از دیدگاه لوریا و مرزهای تازه (دکتر اصلا نضرابی) ۲۳۵
- مقایسه اثرات درمانی تعلیم خودآموزی کلامی و آموزش مدیریت رفتار به والدین ۲۴۸
- بر روی توانایی ترصدی (دکتر حبیب هادیان فرد، دکتر بهمن نجاریان)
- دیدگاه ویگوتسکی: کاربردهایی برای شناخت درمانی (حسن حمیدپور) ۲۵۸

لوریا (۲)

- ۲۷۵ روش‌شناسی لوریا (دکتر محمد رضا جلالی)
- ۲۸۸ رویکرد فرهنگی - تاریخی و نوروپسیکولوژی لوریا (دکتر سید علی محمد موسوی)
- ۲۹۴ نگاهی به زندگی علمی لوریا (دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده)
- ۲۹۹ آثار لوریا (دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده)

ضرورت و اهمیت تشکیل سمپوزیوم

• گزارشی درباره ضرورت و اهمیت تشکیل سمپوزیوم

نوروپسیکولوژی شناختی ایران

..... (دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده)

گزارشی درباره ضرورت و اهمیت تشکیل سمپوزیوم نوروپسیکولوژی شناختی ایران

دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده

گروه روان‌پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

با عرض تشکر از اساتید محترم، همکاران گرامی و دانشجویان عزیز، اجازه می‌خواهم مطالبی را در ارتباط با ضرورت و اهمیت تشکیل این سمپوزیوم، به عرض برسانم.

ضرورت تشکیل این سمپوزیوم، از مدّت‌ها پیش احساس می‌شد. امروزه، نوروپسیکولوژی^۱ (روان‌شناسی عصب‌پایه) در دنیا، به عنوان یک رشته نوپا نگریسته نمی‌شود، بلکه رشته‌ای استقرار یافته، تلقی می‌شود؛ درختی با ریشه‌های بسیار قوی، بدنه محکم و شاخه‌های بالنده. اگرچه از عمر آن، به یک معنی، بیش از پنجاه سال نمی‌گذرد.

امروزه، تبیین و توصیف رفتار، بدون توجه به مکانیسم و سازمان‌بندی عصبی آن، تقریباً ناشدنی است. نوروپسیکولوژی، نه تنها امکان درک روابط بین رفتار و قشر مخ را فراهم می‌کند، در عین حال، خود، به عنوان ابزار نیز وارد عمل می‌شود. از یک سو، در نقش مدل و چارچوب عمل می‌کند، و از سوی دیگر، در نقش مکانیسم و شیوه کار. با توجه به تحقیقات و نوآوری‌های شگفت‌انگیزی که در این عرصه از دانش میان رشته‌ای^۲ به عمل می‌آید، لازم بود در این باره، یک گردهم‌آیی، با شرکت متخصصان رشته‌های مختلف تشکیل شود. مخصوصاً از این نظر که امسال میلادی، مصادف است با صدمین سالگرد تولّد الکساندر رومانوویچ لوریا^۳ پزشک و روان‌شناس روسی که بسیاری او را بنیان‌گذار نوروپسیکولوژی بالینی می‌دانند، ضرورت این حادثه تاریخی، بیشتر احساس می‌شد. بنابراین، بسیار خوشحال و سپاسگزاریم که این خواست علمی، به مرحله عمل رسیده است.

اما طی مسافت طولانی بین خواست و عمل، کاری ساده نیست، کاری است پربپیچ و خم، و با مشکلات فراوان. اگر ما توانسته‌ایم امروز این جا حضور بیابیم، به علت تلاش‌هایی

است که مسئولان و دست‌اندرکاران این سمپوزیوم انجام داده‌اند. باید از مقام محترم ریاست دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، معاون محترم پژوهشی دانشگاه، معاون محترم اداری و مالی دانشگاه، مدیر کل محترم پژوهشی دانشگاه، رئیس محترم دانشکده علوم انسانی، معاون محترم آموزشی و پژوهشی دانشکده، نماینده محترم مردم قزوین، مقام محترم استانداری تشکر کنیم که چنین امکانی را پدید آورده‌اند. اما زحمت اصلی، برعهده گروه روان‌شناسی بود. مدیر محترم گروه (جناب آقای دکتر موسوی) و همکاران ایشان (جناب آقای دکتر جلالی و همکاران دیگر)، از کوچک‌ترین تلاشی برای بهتر برگزار شدن این سمپوزیوم، دریغ نکرده‌اند. مخصوصاً کمک دانشجویان عزیز در این باره، قابل تقدیر و ستایش است. ما در این جا از همه این عزیزان تشکر می‌کنیم و نیز مقدم مهمانان گرانقدری را که از راه‌های دور و نزدیک تشریف آورده‌اند، گرامی می‌داریم.

از بلونسکی نقل می‌شود که «رفتار، فقط به عنوان تاریخچه رفتار، قابل درک است». اگر امتدادی در این جمله ایجاد کنیم، می‌توان گفت که هر پدیده و هر حادثه‌ای، فقط در سیر تاریخی و تحولی خود، قابل درک و بررسی است. تشکیل این سمپوزیوم، تاریخچه‌ای دارد و سیر و تحولی، درباره نوروپسیکولوژی، به عنوان یک موضوع تخصصی، بحث مستقلاً به عمل خواهد آمد. من فقط در این جا به چند نکته که به نظر می‌رسد در ایجاد توجه به نوروپسیکولوژی و مبانی نورولوژیک رفتار در ایران، نقش داشته باشد، اشاره می‌کنم. توجه و روی‌آوری به نوروپسیکولوژی در ایران، در دامن روان‌شناسی و در ارتباط با

1- Neuropsychology

2- Interdisciplinary

3- A. R. Luria (1902-1977)

در جریان‌ها و حوادث مهم تاریخی و علمی این مرز و بوم، جست و جو کرد و این که نوروپسیکولوژی، رشته‌ای جدا از زندگی روزمره مردم، چگونگی چالش مردم با موانع مختلف زیستی، و چگونگی مقابله با تنش‌های حاصل از روابط میان فردی، ساخت‌های سنگواره‌ای شده ذهنی، و جستن راه حلی برای اندیشیدن و عمل کردن، نیست. جنگ تحمیلی، ضایعات و آسیب‌های مغزی فراوانی برای ما پدید آورد. نوروپسیکولوژی می‌توانست و می‌تواند در ارزیابی آثار این نوع ضایعات و آسیب‌ها، و در ارائه برنامه‌های توان‌بخشی، نقشی تعیین‌کننده و کلیدی داشته باشد و اصولاً درک رفتار مردم را چگونه می‌توان بدون توجه به ارتباط مغز با رفتار، توضیح داد. امروزه، هر قدر در شناختن محیط و اطلاعات جلوتر می‌رویم و هر قدر در شناخت اهمیت و نقش آرایش اطلاعاتی و داده‌های محیطی، جلوتر می‌رویم، بیشتر متوجه نقش مغز در پردازش اطلاعات می‌شویم. و هر قدر درباره کارکرد و سازمان‌بندی قشر مخ بیشتر جلو می‌رویم، به اهمیت این داده‌ها و اطلاعات، بیشتر پی می‌بریم. آنچه مهم است مغز به عنوان یک عضو نیست، بلکه به عنوان یک سیستم پردازشگر اطلاعات بیرونی و درونی است.

بنابراین، هدف این سمپوزیوم، ادامه همین روندی است که خوشبختانه در جامعه ما آغاز شده است، اما نیاز به تقویت، تشویق و پرورده شدن دارد. این نیاز، یک نیاز ذهنی چند متخصص و یا چند علاقه‌مند نیست، نیازی علمی و نیاز اجتماعی است. امروزه حتی در کشورهایی که گاه در صف اول تکنولوژی و صنعت قرار ندارند مانند ایتالیا و حتی در کشورهای به اصطلاح جهان سوم مانند برزیل، نوروپسیکولوژی تبدیل به یک رشته پرکشش و پر دامنه‌ای گشته است. در جلساتی که با پروفسور زیدل (Zaidel) در دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس (UCLA) داشتم می‌گفت که به نظر وی امروزه نوروپسیکولوژی در ایتالیا از همه جاهای دیگر دنیا پیشرفته‌تر است.

ما باید در ایران، این نهال نوپا را بیاوریم و آن را از خطرات «آسمانی و زمینی» در امان نگه داریم. از یک سو، باید از به اصطلاح عوامانه شدن آن جلوگیری کنیم، و از سوی دیگر، آن را رشته‌ای که فقط افرادی خاص می‌توانند آن را پی‌گیری کنند، تلقی نکنیم. به نظر می‌رسد هیچ عاملی به اندازه تحقیق، منظور تحقیق علمی، نتواند در تئور کردن این نهال، سهم داشته باشد. البته تحقیق فرآیندی است که هنوز در جامعه ما ارج و قربی پیدا نکرده است و متأسفانه، فضای تحقیقی، گاه

علوم پزشکی، و مخصوصاً عصب‌شناسی (نورولوژی)، نشو و نما پیدا کرد و بنابراین، سرنوشت تاریخی آن با رشد و تحوّل این علوم، گره خورده است. اگر بخواهیم مقطعی برای معرفی روان‌شناسی علمی در ایران، تعیین کنیم، باید ترجمه کتاب «اصول روان‌شناسی» اثر «مان» را به وسیله دکتر محمود صناعی (۱۳۴۱) یادآور شویم و اگر بخواهیم برای مطرح شدن مفاهیم نوروپسیکولوژیک، تاریخی تعیین کنیم، باید به ترجمه کتاب «روان‌شناسی فیزیولوژیک» اثر مورگان به وسیله دکتر محمود بهزاد و اصولاً آثار دکتر محمود بهزاد، اشاره کنیم. البته جریان‌ها، فرآیندها و فعالیت‌هایی مانند توجه روان‌پزشکان و متخصصان مغز و اعصاب به مسائل روانی و روان‌شناختی، ترجمه آثار پاولوف به زبان فارسی، تأسیس دوره‌های آموزشی و برنامه‌های توان‌بخشی در دانشکده علوم توان‌بخشی، تصویب درس نوروپسیکولوژی به عنوان درس اجباری در مقاطع تحصیلی مختلف روان‌شناسی و علوم توان‌بخشی، انتشار مجله «بازتاب»، و ترجمه آثاری از ویگوتسکی و لوریا و عوامل دیگر، جملگی در ایجاد توجه و علاقه‌مندی به نوروپسیکولوژی نقش داشتند. تشکیل «نخستین سمپوزیوم نوروپسیکولوژی ایران»، که به نوبه خود حادثه‌ای در تاریخ علمی کشور ما به حساب می‌آید، خود برآیند این عوامل بود. آن چه بین زمان تشکیل آن سمپوزیوم (۱۳۶۵) و این سمپوزیوم اتفاق افتاد، عبارت بود از توجه روزافزون به مباحث میان رشته‌ای و بین رشته‌ای. این روند، اگرچه از قبل شروع شده بود - مثلاً در ریاضیات دانشمندانی مانند هشترویدی و شهریاری، در روان‌پزشکی دکتر داویدیان و دکتر ساعدی، در زبان‌شناسی دکتر باطنی و دکتر نیلی پور کارهای ارزشمندی انجام داده‌اند - اما در طی ۱۵ سال اخیر، رشد چشمگیری داشته است و تبلور و تحقق خود را در سمینارهای منظم، پیگیر و اثرگذار «نوروساینس» در بیمارستان شهنا پیدا کرده است. این سمینارها که از سال ۱۳۷۴ تاکنون بیش از ۱۵۰ جلسه پربار و پربحث و گفت و گو داشته است، در ایجاد علاقه‌مندی در جوانان و دانشگاہیان به درک اهمیت و ضرورت مباحث میان رشته‌ای، و مخصوصاً نوروپسیکولوژی شناختی، تأثیر زیادی داشته است. به طوری که سمپوزیوم فعلی را می‌توان ادامه منطقی و تاریخی «نخستین سمپوزیوم نوروپسیکولوژی در ایران» و سمینارهای نوروساینس دانست.

اهمیت این سمپوزیوم، دقیقاً به این نکته بر می‌گردد که دارای تاریخ، هویت و شناسنامه است. ریشه‌های آن را می‌توان

چهره دیگر، دکتر امیرحسین آریان پور است که اصولاً در توجه دادن جوانان به اهمیت تفکر علمی و متدولوژی علمی، در تجزیه و تحلیل مسائل مختلف روانی، اجتماعی و فلسفی، و کاشتن بذر امید و اعتقاد به تغییر در دل آنان، نقش منحصر به فرد و انکارناپذیری داشت. از خصوصیت‌های مهم آثار و سخنان دکتر آریان پور، مرز شکنی، و در عین حال کران‌آفرینی در تفکر، آشتی‌ناپذیری با هر آن چه بوی خودخواهی، زورگویی و منطق ستیزی می‌داد، شهامت در ابراز عقیده، و میدان دادن به دیالوگ و گفت‌وگو بود. سهم دکتر آریان پور در روان‌شناسی علمی، هماهنگ و همپایه سهم او در جامعه‌شناسی، فلسفه و واژه‌سازی و مفهوم‌پردازی است. او از یک سوی، با نوشتن و ترجمه آثاری چون «در آستانه رستاخیز»، «زمینه جامعه‌شناسی»، «جامعه‌شناسی هنر»، «آیین پژوهش» و «دو منطق»، درست اندیشیدن و درست عمل کردن را یاد می‌داد، و از سوی دیگر، با نوشتن آثاری چون «فریاد» با اشاراتی به ادبیات و عرفان، و مخصوصاً انتشار مقاله‌هایی تحت عنوان «روان‌شناسی از دیدگاه واقع‌گرایی»، روان‌شناسی علمی را ترویج می‌داد. حتی می‌توان این مقاله‌ها را به نوعی، مقدمه نوروپسیکولوژی تلقی کرد. به امید آن که این مقاله‌ها در نسخه مستقلی چاپ شوند و در اختیار علاقه‌مندان قرار بگیرند. به نظر من، قسمتی از کار این سمپوزیوم می‌تواند این باشد که راه‌ها و مکانیسم انجام این گونه فعالیت‌ها را چه در مورد دکتر وهاب زاده و چه در مورد دکتر آریان پور و یا افراد دیگر بررسی کند.

چهره دیگر دکتر محمد نقی براهنی است که اخیراً جامعه علمی ایران او را از دست داد. صحبت درباره سهم دکتر براهنی در شکل‌گیری و رشد روان‌شناسی علمی در ایران، به بحث مستقلی نیاز دارد. با اطمینان می‌توان گفت که آن چه امروزه، در روان‌شناسی ایران داریم، بدون دکتر براهنی نمی‌توانستیم داشته باشیم. فعالیت‌های همه جانبه او در آموزش، تدریس، تحقیق، ترجمه، تألیف، ویرایش، معادل‌آفرینی و معادل‌گزینی، بحث و گفتمان، شخصیت‌آفرینی، و کوشش و تلاش وقفه‌ناپذیر او برای ارتقای سطح علمی تحقیقات روان‌شناختی در ایران و آزمون‌سازی، چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. او هستی خود را در طبق اخلاص گذاشته بود و در نهایت، از زندگی خود گذشت، اما از هدف‌ها و آرمان‌های علمی و انسانی خود نگذشت. یاد دکتر براهنی مخصوصاً از این نظر، قابل توجه و قابل ذکر است که او در شکل‌گیری «نخستین سمپوزیوم نوروپسیکولوژی ایران» سهم بسزایی داشت و مقاله بسیار مهمی نیز در این

فضای بوروکراسی، بندبازی، جبهه‌گیری، جناح‌بندی و نردبان ترقی را به ذهن متبادر می‌سازد.

گره خوردن عنوان نوروپسیکولوژی با نام لوریا مبحث دیگری است که نیاز به بحث مستقلی دارد، امیدواریم بتوانیم با طرح موضوع‌های مربوط به نوروپسیکولوژی و بحث و گفت‌وگو اولاً زبان مشترکی بین محققان پیدا کنیم. ثانیاً شکیبایی و ظرفیت علمی خود را افزایش دهیم. ثالثاً به درک روشن‌تری از برخی مسائل نایل شویم و رابعاً در حل پاره‌ای از مشکلات روزه‌مرز زندگی که گاه صور خشن و نامتعادلی به خود می‌گیرد، و نیز بیماری‌ها و توان بخشی‌ها موفق باشیم، و بالاخره بتوانیم در بالا بردن سطح انتظار مردم از زندگی و آفرینش «طرحی نو از زندگی» و در نهایت، معرّفی شادزیستی و امیدآفرینی، بهتر عمل کنیم. مسلماً همه این آرزوها با یک یا چند سمپوزیوم برآورده نمی‌شود، اما به هر حال، هر گامی به پیش، خود، موفقیت است.

اما در فاصله بین تشکیل «نخستین سمپوزیوم نوروپسیکولوژی ایران» تا کنون، ما سه چهره علمی و فکری را از دست داده‌ایم. وظیفه ماست که با یادآوری این چهره‌ها و ادامه راه آنها، جزیی از دین خود را نسبت به آنها ادا کنیم. یکی از این چهره‌ها دکتر عظیم وهاب‌زاده است که نقش اصلی را در تشکیل نخستین سمپوزیوم نوروپسیکولوژی ایران (۱۳۶۵) بازی کرد. مقاله ایشان که به علت بیماری او، به وسیله کس دیگری در این سمپوزیوم خوانده شد، هنوز به عنوان یک مقدمه علمی محکمی برای نوروپسیکولوژی، قابل پذیرش و قابل توجه است. دکتر وهاب‌زاده به فاصله چند ماه از زمان تشکیل سمپوزیوم (در سال ۱۳۶۵) درگذشت. دقت علمی، نقادی ذهنی، وسعت اطلاعات، زبان‌دانی، زبان‌شناسی و ویراستاری او زبانزد خاص و عام بود. زمانی سعی شد آثار روان‌شناختی و روان‌پزشکی دکتر وهاب‌زاده گردآوری و یک جا چاپ شود، اما متأسفانه این کار دنبال نشد. مقاله‌های او در مجله‌های کتاب امروز، تازه‌های روان‌پزشکی و مجله بازتاب به چاپ رسیده‌اند. امید است که جامعه علمی ایران با گردآوری و چاپ آثار پراکنده دکتر وهاب‌زاده، تا حدی دین خود را نسبت به این دانشور آزاده، ادا کند. البته آثار دکتر وهاب‌زاده، محدود به آثار قلمی خود ایشان نمی‌شود، سمت و سوی فکری و نظم ذهنی او را می‌توان در بسیاری از آثاری که او عهده‌دار ویرایش آنها بود، از آن جمله ترجمه کتاب «روان‌پزشکی» اثر ریس نام برد.

سمپوزیوم با عنوان «ارزیابی نوروپسیکولوژی» ارائه داد و حال چنان که می‌بینید جای این مقاله و این بحث، در این سمپوزیوم خالی است. اصولاً به جرات می‌توان گفت که مفهوم و بحث ارزیابی نوروپسیکولوژیک، با دکتر براهنی وارد جامعه علمی ما شد. حال، چگونه خواهیم توانست جای این بزرگان را پر کنیم:

قرن‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
سال‌ها باید که تا یک کودکی از روی طبع
عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن

این سه تن در کنار بسیاری دیگر در جامعه ما اثرگذار بودند، هر یک به نحوی، به گونه‌ای و در چارچوبی. به نظرم اگر قرار بود نقش و جایگاه این سه تن را در جامعه علمی، در کلمه‌ای

خلاصه کنیم، البته کلمه به معنا و مفهومی که ویگوتسکی از آن سخن می‌گوید، باید بگوییم آریان پور «وجدان آگاه جامعه فکری ایرانی»، وهاب‌زاده، «وجدان آگاه جامعه روان پزشکی ایران»، و براهنی، «وجدان آگاه جامعه روان‌شناسی ایران» بود. برای اثبات این ادعا خواهش می‌کنم لحظه‌ای تصور کنید که این سه تن، هم اکنون این جا بودند. مسلماً حال و هوای دیگری به این مجلس می‌بخشیدند. خوشبختانه، راه و آرمان آنان همچنان ادامه دارد و ما بسیار خوشحالیم که هم اکنون در مجلس ما صاحب‌نظرانی وجود دارند که نقشی تعیین‌کننده در ادامه راه پرافتخار علمی ایران ایفا می‌کنند. در عین حال یادمان باشد که در کتاب «مکالمات» کلام کنفوسیوس ترجمه کاظم‌زاده ایرانشهر، از زبان استاد آمده است: «من تنها به کسی می‌آموزم که همت و کوشش خستگی‌ناپذیر دارد و از تأثیر آن، همیشه در جوش و خروش است.» (ص ۱۱۷، مکالمات)، ما باید کاری کنیم که شایستگی شاگردی چنین اساتیدی را داشته باشیم.